

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۹۵

آیه ۱۰۸

آیه و ترجمه

ام تریدون ان تسلسوا رسولکم کما سئل موسی من قبل و من یتبدل الکفر  
بالایمن فقد ضل سواء السبیل ۱۰۸

ترجمه :

۱۰۸- آیا می خواهید از پیامبر خود همان تقاضاهای (نامعقول) بکنید، که پیش  
از این از موسی کردند (و با این بهانه جوئیها سر از ایمان باز زنید) کسی که کفر  
را با ایمان مبادله کند (و آن را بجای ایمان بپذیرد از راه مستقیم (عقل و  
فطرت) گمراه شده است.

شاء نزول

در کتب شاء نزولهایی برای این آیه ذکر کرده اند که از نظر نتیجه تقریبا همه  
یکسانند:

نخست اینکه از ابن عباس نقل شده که وهب بن زید و رافع بن حرمه نزد  
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و گفتند از سوی خدا نامه های به  
عنوان ما بیاور تا آن را قرائت کنیم و سپس ایمان بیاوریم! و یا نهرهایی برای ما  
جاری فرما تا از تو پیروی کنیم!

بعضی دیگر گفته اند گروهی از عرب از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و  
سلم) همان تقاضائی را کردند که یهود از موسی داشتند، گفتند، خدا را  
آشکارا به ما نشان ده تا با چشم خود ببینیم و ایمان بیاوریم!

بعضی دیگر نوشته اند که آنها از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تقاضا  
کردند برای آنان بتی از درخت مخصوص ذات انواط قرار دهد تا آن را پرستش  
کنند همانگونه که جاهلان بنی اسرائیل به موسی گفتند: اجعل لنا الهه کما  
لهم الهه (برای ما بتی قرار ده همانگونه که بت پرستان دارند)!

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۹۶

آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ گفت.

تفسیر :

## بهانه‌های بی اساس

گر چه این آیه خطاب به یهود نیست، بلکه مخاطب در آن گروهی از مسلمانان ضعیف الایمان و یا مشرکانند، ولی چنانکه خواهیم دید، بی ارتباط به سر گذشت یهودنمی باشد.

شاید پس از ماجرای تغییر قبله بود که جمعی از مسلمانان و مشرکان بر اثر وسوسه یهود، تقاضاهای بی مورد و نابجائی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) کردند که نمونه‌های آن در بالا ذکر شد، خداوند بزرگ آنها را از چنین پرسشهایی نهی کرده می فرماید: آیا شما می خواهید از پیامبران همان تقاضاهای نامعقول را بکنید که پیش از این از موسی کردند (و با این بهانه‌جوئیها شانه از زیر بار ایمان خالی کنید) (ام تریدون ان تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل).

و از آنجا که این کار، یکنوع مبادله «ایمان» با «کفر» است، در پایان آیه اضافه می کند «کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم گمراه شده است» (و من یتبدل الکفر بالایمان فقد ضل سواء السبیل).

اشتباه نشود اسلام هرگز از پرسشهای علمی و سؤالات منطقی و همچنین تقاضای معجزه برای پی بردن به حقانیت دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جلوگیری نمی کند چرا که راه درک و فهم و ایمان همین ها است، ولی گروهی بودند که برای نرفتن زیر بار دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤالات بی اساس و معجزات اقتراحی را بهانه قرار می دادند، و با اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به اندازه کافی دلیل و معجزه در اختیارشان قرار داده بود، هر یک از راه می رسید پیشنهاد خارق عادت جدیدی می کرد، در حالی

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۹۷

که می دانسیم اعجاز و خارق عادات بازیچه این و آن نیست، به مقداری لازم است که اطمینان به صدق گفته‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایجاد کنند و گر نه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یک خارق العاده گر نیست که گوشه‌های بنشیند و هر کس بیاید و پیشنهاد معجزه‌های مطابق میل و سلیقه خویش کند.

از این گذشته گاهی تقاضاهای نامعقولی همچون دیدن خدا با چشم، و یا ساختن بت می کردند.

در واقع قرآن می‌خواهد به مردم هشدار دهد که اگر شما دنبال چنین تقاضای نامعقول بروید، بر سرتان همان خواهد آمد که بر سر قوم موسی آمد.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۹۸

آیه ۱۰۹ - ۱۱۰

آیه و ترجمه

ود كثير من اهل الكتب لو يردونكم من بعد ايمنكم كفارا حسدا من عند انفسهم من بعد ما تبين لهم الحق فاعفوا و اصفحوا حتى ياتي الله بامرہ ان الله على كل شيء قدير ۱۰۹  
و اقيموا الصلوة و اتوا الزکوة و ما تقدموا لانفسکم من خير تجدوه عند الله ان الله بما تعملون بصير ۱۱۰

ترجمه :

۱۰۹- بسیاری از اهل کتاب از روی حسد که در وجود آنها ریشه دوانده دوست می‌داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به حال کفر باز گردانند، با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است، شما آنها را عفو کنید و گذشت نمائید تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد، خداوند بر هر چیزی توانا است.

۱۱۰- و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید (و با این دو وسیله روح و جسم اجتماع خود را نیرومند سازید و بدانید) هر کار خیری برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا (درسرای دیگر) خواهید یافت، خداوند به اعمال شما آگاه است.

تفسیر :

حسودان لجوج

بسیاری از اهل کتاب مخصوصاً یهود بودند که تنها به این قناعت

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۹۹

که خود آئین اسلام را نپذیرند بلکه اصرار داشتند که مؤمنان نیز از ایمانشان باز گردند، و انگیزه آنان در این امر چیزی جز حسد نبود.

قرآن در آیات فوق به این امر اشاره کرده می‌گوید: «بسیاری از اهل کتاب به خاطر حسد دوست داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به کفر باز گردانند با اینکه حق برای آنها کاملاً آشکار شده است» (ود كثير من اهل الكتب لو يردونكم من بعد ايمنكم كفارا حسدا من عند انفسهم من بعد ما تبين لهم الحق فاعفوا و اصفحوا حتى ياتي الله بامرہ ان الله على كل شيء قدير ۱۰۹)

يُردونكم من بعد ايمانكم كفارا حسدا من عند انفسهم من بعد ما تبين لهم الحق).

در اینجا قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که در برابر این تلاشهای انحرافی و ویرانگر شما آنها را عفو کنید و گذشت نمائید تا خدا فرمان خودش را بفرستد چرا که خداوند بر هر چیزی توانا است» (فاعفوا و اصفحوا حتی یاتی الله بامرہ ان الله علی کل شیء قدير).

این در واقع یک دستور تاکتیکی است که به مسلمانان داده شده که در برابر فشار شدید دشمن در آن شرائط خاص از سلاح عفو و گذشت استفاده کنند و به ساختن خویشتن و جامعه اسلامی بپردازند و در انتظار فرمان خدا باشند. منظور از فرمان خدا در اینجا به گفته بسیاری از مفسران فرمان جهاد است که در آن هنگام هنوز نازل نشده بود، شاید به این علت که هنوز آمادگی همه جانبه برای این فرمان نداشتند، و لذا بسیاری معتقدند که این آیه بوسیله آیات جهاد که بعداً به آن اشاره خواهد شد نسخ شده است.

اما تعبیر به نسخ شاید در اینجا صحیح نباشد، چرا که نسخ آنست که حکمی ظاهراً به صورت نامحدود تشریع گردد اما در باطن موقت باشد، ولی حکم عفو و گذشت در آیه مورد بحث در شکل محدود بیان شده است، محدود به زمانی که فرمان الهی دائر به جهاد نیامده.

---

#### تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۰

آیه بعد دو دستور سازنده مهم به مؤمنان می‌دهد یکی در مورد نماز که رابطه محکمی میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و دیگری در مورد زکات که رمز همبستگیهای اجتماعی است و این هر دو برای پیروزی بر دشمن لازم است، می‌گوید: «نماز را بر پا دارید و زکات را ادا کنید» و با این دو وسیله روح و جسم خود را نیرومند سازید (و اقيموا الصلوة و اتوا الزکاة). سپس اضافه می‌کند: تصور نکنید کارهای نیکی را که انجام می‌دهید و اموالی را که در راه خدا انفاق می‌کنید از بین می‌رود، نه «آنچه از نیکیها از پیش می‌فرستید آنها را نزد خدا (درسرای دیگر) خواهید یافت» (و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله).

«خداوند به تمام اعمال شما بصیر است» (ان الله بما تعملون بصير). او بطور دقیق میداند کدام عمل را بخاطر او انجام داده‌اید و کدام یک را برای غیر او.

## نکته‌ها

### نکته : ۱

و ((اصفحوا)) از ماده «صفح» در اصل به معنی دامنه کوه، پهنی شمشیر، و یا صفحه صورت است، و این جمله معمولاً به معنی روی گرداندن و صرف نظر کردن به کار می‌رود، و با قرینه جمله «فاعفوا» معلوم می‌شود که این روی بر گرداندن به خاطر قهر و بی اعتنائی نیست بلکه به خاطر گذشت بزرگوارانه است.

ضمناً این دو تعبیر نشان می‌دهد که مسلمانان حتی در آن زمان آنقدر قوت و قدرت داشتند که عفو و گذشت نکنند و به مقابله با دشمنان بپردازند، ولی برای اینکه دشمن اگر قابل اصلاح است اصلاح شود، نخست دستور به عفو و گذشت می‌دهد، و به تعبیر دیگر در برابر دشمن هرگز نباید خشونت، نخستین

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۱

برنامه باشد، بلکه اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که نخستین برنامه عفو و گذشت باشد، اگر مؤثر نشد آنگاه متوسل به خشونت شوند.

### نکته : ۲

جمله «ان الله على كل شيء قدير» جمله ان الله على كل شيء قدير ممکن است اشاره به این باشد که خداوند میتواند هم اکنون نیز شما را از طرق غیر عادی بر آنها پیروز گرداند، ولی طبع زندگی بشر و عالم آفرینش این است که هر کاری تدریجاً و با فراهم شدن مقدمات انجام گیرد.

### نکته : ۳

جمله «حسدا من عند انفسهم» (انگیزه آنها حسدی از ناحیه خودشان است) ممکن است اشاره به این باشد که حسد گاهی در شکل هدف منعکس می‌شود و آب و رنگ دینی به آن میدهند، ولی حسدی که آنها در این زمینه نشان میدادند حتی این رنگ را نیز نداشت بلکه صرفاً جنبه شخصی داشت. این احتمال نیز وجود دارد که اشاره به حسدی باشد که در جان آنها ریشه دوانیده است.

آیه ۱۱۱ - ۱۱۲

آیه و ترجمه

و قالوا لن يدخل الجنة الا من كان هوذا او نصرى تلک امانیهم قل هاتوا برهنکم

ان كنتم صدقین ۱۱۱

بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه و لا خوف علیهم و لا هم

یحزنون ۱۱۲

ترجمه :

۱۱۱- آنها گفتند هیچکس جز یهود یا نصاری هرگز داخل بهشت نخواهد شد،

این آرزوی آنها است، بگو اگر راست می گوئید دلیل خود را (بر این موضوع)

بیاورید.

۱۱۲- آری کسی که در برابر خداوند تسلیم شود و نیکوکار باشد، پاداش او نزد

پروردگارش ثابت است، نه ترسی بر آنها است و نه غمگین خواهند شد (بنا بر

این بهشت خداوند در انحصار هیچ طایفه‌ای نیست).

تفسیر :

انحصار طلبان بهشت

قرآن در آیات فوق اشاره به یکی دیگر از ادعاهای پوچ و نابجای گروهی از

یهودیان و مسیحیان کرده و سپس پاسخ دندان شکن به آنها می گوید: «آنها

گفتند: هیچکس جز یهود و نصاری داخل بهشت نخواهد شد» (و قالوا لن

یدخل الجنة الا من كان هودا او نصاری )

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۲

در پاسخ ابتدا می فرماید: «این تنها آرزویی است که دارند» (و هرگز به این

آرزو نخواهند رسید) (تلك امانیهم).

بعد روی سخن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرده می گوید: «به

آنها بگو هر ادعائی دلیلی می خواهد چنانچه در این ادعا صادق هستید دلیل

خود را بیاورید» (قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین).

پس از اثبات این واقعیت که آنها هیچ دلیلی بر این مدعی ندارند و ادعای

انحصاری بودن بهشت، تنها خواب و خیالی است که در سر میپرورانند، معیار

اصلی و اساسی ورود در بهشت را به صورت یک قانون کلی بیان کرده،

می گوید: آری کسی که در برابر خداوند تسلیم گردد و نیکوکار باشد پاداش

او نزد پروردگارش ثابت است» (بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن فله

اجرہ عند ربه).

و بنا بر این چنین کسانی نه ترسی خواهند داشت و نه غمگین می شوند (و لا

خوف علیهم و لا هم یحزنون).

خلاصه اینکه بهشت و پاداش خداوند و نیل به سعادت جاودان در انحصار هیچ طایفه نیست، بلکه از آن کسانی است که واجد دو شرط باشند: در مرحله اول تسلیم محض درمقابل فرمان حق و ترک تبعیض در احکام الهی، چنان نباشد که هر دستوری موافق منافعشان است بپذیرند و هر چه مخالف آن باشد پشت سر اندازند، آنها به طور کامل تسلیم حقند.

و در مرحله بعد آثار این ایمان در عمل آنها به صورت انجام کار نیک منعکس گردد، آنها نیکوکارند، نسبت به همگان و در تمام برنامه‌ها. در حقیقت قرآن با این بیان مسأله نژاد پرستی و تعصبات نابخردانه را بطور کلی نفی می‌کند و سعادت و خوشبختی را از انحصار طایفه خاصی بیرون می‌آورد

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۳

ضمناً معیار رستگاری را که ایمان و عمل صالح است، مشخص می‌سازد.

**نکته‌ها**

**نکته : ۱**

«امانیهم» جمع «امنیة» به معنی آرزویی است که انسان به آن نمی‌رسد.

البته در اینجا این مدعیان اهل کتاب یک آرزو بیشتر نداشتند و آن انحصار بهشت به آنها بود، ولی از آنجا که این آرزو خود سرچشمه آرزوهای دیگر و به اصطلاح دارای شاخ و برگهای دیگری است به صورت «جمع» (امانی) ذکر شده.

**نکته : ۲**

جالب توجه اینکه در آیه فوق اسلام به وجه نسبت داده شده (آنها صورت خود را در برابر خدا تسلیم می‌کنند) این به خاطر آن است که روشنترین دلیل برای تسلیم در برابر چیزی آن است که انسان با تمام صورت متوجه آن شود. این احتمال نیز وجود دارد که «وجه» به معنی ذات بوده باشد، یعنی آنها با تمام وجود خود تسلیم فرمان پروردگارند.

**نکته : ۳**

آیات فوق، ضمناً این نکته را به همه مسلمانان تعلیم می‌کند که در هیچ مورد زیر بار سخنان بی دلیل نروند و هر کس ادعائی کرد، از او مطالبه دلیل کنند، و به این ترتیب سدتقلیدهای کورکورانه را بشکنند و تفکر منطقی بر جامعه آنان حاکم شود.

## نکته : ۴

ذکر جمله «و هو محسن» بعد از بیان مسأله تسلیم، اشاره به این است که تا ایمان راسخ وجود نداشته باشد، نیکوکاری به معنی وسیع کلمه حاصل نخواهد شد.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۴

ضمن این جمله نشان می‌دهد که نیکوکاری برای این افراد با ایمان جنبه یک فعل زودگذر ندارد، بلکه وصف آنها شده و در عمق جانیشان نفوذ کرده است. نفسی خوف و غم از پیروان خط توحید، دلیلش روشن است چرا که آنها تنها از خدا می‌ترسند، و از هیچ چیز دیگر وحشت ندارند، ولی مشرکان خرافی از همه چیز ترس دارند، از گفته‌های این و آن، از فال بد زدن، از سنتهای خرافی و از بسیار چیزهای دیگر.

آیه ۱۱۳

آیه و ترجمه

و قالت اليهود لیست النصری علی شیء و قالت النصری لیست الیهود علی شیء و هم یستلون الکتب کذلک قال الذین لا یعلمون مثل قولهم فالله یحکم بینهم یوم القیمة فیما کانوا فیہ یختلفون ۱۱۳

ترجمه :

۱۱۳- یهودیان گفتند: مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خداندانند، و مسیحیان نیز گفتند: یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند) در حالی که هر دو دسته، کتاب آسمانی رامی‌خواندند (و باید از این گونه تعصبها بر کنار باشند) افراد نادان (دیگر همچون مشرکان) نیز سخنی همانند سخن آنها داشتند، خداوند در روز قیامت در اختلاف آنها داوری خواهد کرد.

شان نزول:

جمعی از مفسران از ابن عباس چنین نقل کردند: هنگامی که گروهی از مسیحیان نجران خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند عده‌ای از علمای یهود نیز در آنجا حضور یافتند، بین آنها و مسیحیان در محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نزاع و مشاجره

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۵

در گرفت، رافع بن حرمه یکی از یهودیان رو به جمعیت مسیحیان کرد و



گفت: آئین شما پایه و اساسی ندارد و نبوت عیسی و کتاب او انجیل را انکار کرد، مردی از مسیحیان نجران نیز عین این جمله را در پاسخ آن یهودی تکرار نمود و گفت آئین یهود پایه و اساسی ندارد، در این هنگام آیه فوق نازل شد و هر دو دسته را بخاطر گفتار نادرستشان ملامت نمود.

تفسیر :

### تضادهای ناشی از انحصارطلبی

در آیات گذشته گوشه‌های از ادعاهای بیدلیل جمعی از یهود و نصاری را دیدیم آیه مورد بحث نشان می‌دهد که وقتی پای ادعای بی دلیل به میان آید نتیجه‌اش انحصارطلبی و سپس تضاد است.

می‌گوید: «یهودیان گفتند: مسیحیان هیچ موقعیتی نزد خدا ندارند، و مسیحیان نیز گفتند یهودیان هیچ موقعیتی ندارند و بر باطلند» (و قالت الیهود لیست النصاری علی شیء، وقالت النصاری لیست الیهود علی شیء). جمله «لیست ... علی شیء» اشاره به این است که آنها در پیشگاه خدا مقامی ندارند، یا اینکه دین و آئین آنها چیز قابل ملاحظه‌ای نیست.

سپس اضافه می‌کند: «آنها این سخنان را می‌گویند در حالی که کتاب آسمانی را می‌خوانند!» (و هم یتلون الکتاب). یعنی با در دست داشتن کتابهای الهی که میتواند راهگشای آنها در این مسائل باشد این گونه سخنان که سرچشمه‌های جز تعصب و عناد و لجاج ندارد بسیار عجیب است.

---

### تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۶

سپس قرآن اضافه می‌کند: «مشرکان نادان نیز همان چیزی را می‌گفتند که اینها می‌گویند» (با اینکه اینها اهل کتابند و آنها بتپرست) (کذلک قال الذین لا یعلمون مثل قولهم). این آیه سرچشمه اصلی تعصب را، جهل و نادانی معرفی کرده، چرا که افراد نادان همواره در محیط زندگی خود محصورند و غیر آن را قبول ندارند، به آئینی که از کودکی با آن آشنا شده‌اند هر چند خرافی و بی اساس باشد سخت دل می‌بندند، و غیر آن را منکر می‌شوند. در پایان آیه آمده است «خداوند داوری این اختلاف را در قیامت به عهده خواهد گرفت» (فالله یحکم بینهم یوم القیامة فیما کانوا فیه یختلفون). آنجا است که حقایق روشنتر می‌شود و اسناد و مدارک هر چیز آشکار است،

کسی نمی‌تواند حق را منکر شود و به این ترتیب اختلافات بر چیده خواهد شد، آری یکی از ویژگیهای قیامت‌پایان یافتن اختلافات است.

ضمناً آیه فوق به مسلمانان دلگرمی میدهد که اگر پیروان این مذاهب به مبارزه با آنها برخاسته‌اند و آئین آنها را نفی می‌کنند، هرگز نگران نباشند، آنها خودشان را هم قبول ندارند، هریک چوب نفی بر دیگری میزند، و اصولاً جهل و نادانی سرچشمه تعصب و تعصب سرچشمه انحصارگری است.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۷

آیه : ۱۱۴

آیه و ترجمه

و من اظلم ممن منع مسجد الله ان يذكر فيها اسمه و سعی في خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم في الدنيا خزي و لهم في الآخرة عذاب عظيم ۱۱۴

ترجمه :

۱۱۴- چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آنها دارند، شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد این کانونهای عبادت شوند، بهره آنها در دنیا رسوائی و در سرای دیگر عذاب عظیم است.

شان نزول:

در کتاب «اسباب النزول» از «ابن عباس» چنین آمده که این آیه در مورد «فطلوس» رومی و یاران مسیحی او نازل شده است، آنها با بنی اسرائیل جنگیدند و تورات را آتش زدند و فرزندان آنها را به اسارت گرفتند، بیت المقدس را ویران ساختند و مردارها در آن ریختند.

مرحوم «طبرسی» در «مجمع البیان» از «ابن عباس» نقل می‌کند که این کوشش در تخریب و نابودی بیت المقدس همچنان ادامه داشت تا زمانی که به دست مسلمانان فتح شد.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نیز می‌خوانیم که این آیه در مورد قریش نازل گردید، در آن هنگام که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از ورود به شهر مکه و مسجد الحرام جلوگیری می‌کردند

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۸

بعضی شان نزول سومی برای آیه گفته‌اند و آن اینکه منظور مکانهائی است که مسلمانان در مکه برای نماز داشتند و مشرکان پس از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را ویران کردند. هیچ مانعی ندارد که نزول آیه ناظر به تمام این حوادث بوده باشد، بنابر این هر یک از شان نزولهای فوق یکی از ابعاد مسأله را منعکس می‌کند.

تفسیر:

### ستمکارترین مردم

بررسی شان نزولهای فوق نشان می‌دهد که روی سخن در آیه به هر سه گروه، یهود و نصاری و مشرکان، است، هر چند بحثهای آیات گذشته بیشتر به یهود اشاره می‌کرد و گاهی به نصاری.

به هر حال «یهود» با ایجاد وسوسه در مسأله تغییر قبله کوشش داشتند که مسلمانان به سمت بیت المقدس نماز بخوانند تا با این کار هم تفرقی بر آنها داشته باشند و هم مسجدالحرام و کعبه را از رونق بیندازند.

«مشرکان مکه» نیز با منع پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان از زیارت خانه خدا عملاً به سوی خرابی این بنای الهی گام برمیداشتند.

«مسیحیان» نیز با گرفتن بیت المقدس و ایجاد وضع ناهنجاری که در بالا از ابن عباس نقل شد در تخریب آن میکوشیدند.

قرآن در برابر این سه گروه و تمام کسانی که در راهی مشابه آنها گام بر میدارند می‌گوید: «چه کسی ستمکارتر است از آنها که از بردن نام خدا در مساجد الهی جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آنها دارند» (و من اظلم ممن)

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۰۹

منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمہ و سعی فی خرابها). به این ترتیب قرآن این جلوگیری را ستمی بزرگ و عاملان آن را ستمکارترین مردم معرفی می‌کند و راستی هم چه ستمی از این بالاتر که در تخریب پایگاه‌های توحید بکوشند و مردم را از یاد حق باز دارند و شرک و فساد را در جامعه گسترش دهند.

سپس در ذیل این آیه می‌گوید: «شایسته نیست آنها جز با ترس و وحشت وارد این اماکن شوند» (اولئک ما کان لهم ان یدخلوها الا خائفین).

یعنی مسلمانان و موحدان جهان باید آنچنان محکم بایستند که دست این ستمگران از این اماکن مقدس کوتاه گردد و احدی از آنان نتوانند آشکارا و بدون ترس و وحشت وارد این مکانهای مقدس شوند.

این احتمال نیز در تفسیر جمله فوق وجود دارد که این گونه افراد ستمکار با این عمل هرگز موفق نخواهند شد که این مراکز عبادت را در اختیار خود بگیرند.

بلکه سرانجام چنان می شود که جز با وحشت نمی توانند گام در آن بگذارند، درست همان سرنوشتی که مشرکان مکه در مورد مسجد الحرام پیدا کردند. و در پایان آیه مجازات دنیا و آخرت این ستمکاران را با تعبیر تکان دهندهای بیان کرده می گوید: «برای آنها در دنیا رسوائی است و در آخرت عذاب عظیم» (لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم). و این است سرنوشت کسانی که بخواهند میان بندگان و خدایشان جدائی بیفکنند.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۱۰

## نکته ها

### نکته ۱ - طرق ویرانی مساجد

بدون شک مفهوم آیه فوق، مفهومی وسیع و گسترده است و به زمان و مکان معینی محدود نمی شود، همانند سایر آیاتی که در شرائط خاصی نازل گردیده اما حکم آن در همه قرون و اعصار ثابت است، بنابر این هر کس و هر گروه به نوعی در تخریب مساجد الهی بکوشد و یا مانع از آن شود که نام خدا و عبادت او در آنجا انجام گیرد مشمول همان رسوائی و همان عذاب عظیم است که در آیه اشاره شده.

توجه به این نکته نیز لازم است که جلوگیری از ورود به مسجد و ذکر نام پروردگار و کوشش در تخریب آن، تنها به این نیست که مثلا با بیل و کلنگ ساختمان آن را ویران سازند، بلکه هر عملی که نتیجه آن تخریب مساجد و از رونق افتادن آن باشد نیز مشمول همین حکم است. چرا که در تفسیر آیه انما یعمر مساجد الله ..

. (سوره توبه آیه ۱۸) چنانکه خواهد آمد طبق صریح بعضی از روایات، منظور از عمران و آبادی مسجد تنها ساختمان آن نیست، بلکه حضور در آنها و توجه به محافل و مجالس مذهبی که در آنها تشکیل می گردد و موجب یاد خدا است

نیز یکنوع عمران است بلکه مهمترین عمران شمرده شده. بنا بر این در نقطه مقابل، آنچه باعث شود که مردم از یاد خدا غافل گردند و از مساجد باز مانند، ظلمی است بسیار بزرگ! عجب اینکه در عصر و زمان ما گروهی از متعصبین نادان و خشک و دور از منطق از وهابیان به بهانه احیای توحید، سعی در تخریب پاره‌های از مساجد و ساختمان‌هایی که بر قبور بزرگان اسلام و صلحاء شده و همیشه مرکز یاد خدا است دارند، و عجیب‌تر اینکه این ستمگران بی منطق، اعمال خود را تحت عنوان مبارزه با شرک انجام می‌دهند و در این راه مرتکب انواع گناهان و کبائر می‌شوند.

---

#### تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۱۱

در حالی که اگر فرضاً کار خلافی در یکی از این مراکز مقدس انجام شود باید جلو آن را گرفت نه اینکه این خانه‌های توحید را به تخریب کشاند که این کار همانند کار مشرکان جاهلیت است.

#### نکته ۲- بزرگترین ستم

نکته دیگری که در این آیه باید مورد توجه قرار گیرد این است که خداوند این چنین اشخاص را ظالمترین افراد شمرده، و در واقع هم چنین است، زیرا تعطیل و تخریب مساجد و جلوگیری از مراکز توحیدنتیجه‌ای جز سوق مردم به بی دینی نخواهد داشت، و میدانیم زیان این کار از هر عملی بیشتر و عواقب شوم آن دردناکتر است.

البته در موارد دیگری از قرآن کلمه «اظلم» (ستمکارترین مردم) در مورد بعضی از گناهان دیگر نیز به کار برده شده است که تمام آنها در واقع به مساءله «شرک» و نفی توحید باز می‌گردد. شرح بیشتر این سخن را در جلد پنجم صفحه ۱۸۳ (ذیل آیه ۲۱ سوره انعام) مطالعه خواهید فرمود.

#### آیه ۱۱۵

#### آیه و ترجمه

و لله المشرق و المغرب فاینما تولوا فثم وجه الله ان الله وسع علیم ۱۱۵

ترجمه :

۱۱۵- مشرق و مغرب از آن خدا است و به هر سو رو کنید، خدا آنجا است، خداوند بی نیاز و دانا است.

## شان نزول:

در شان نزول آیه روایات مختلفی نقل شده است: ابن عباس می‌گوید: این آیه مربوط به تغییر قبله است، هنگامی که قبله مسلمانان از بیت المقدس به کعبه تغییر یافت یهود در مقام انکار بر آمدند و به مسلمانان ایراد کردند که مگر می‌شود قبله را تغییر داد؟ آیه نازل شد و به آنها پاسخ داد که شرق و غرب جهان از آن خدا است.

در روایت دیگری می‌خوانیم که این آیه در مورد نماز مستحبی نازل شده است که هر گاه انسان سوار بر مرکب باشد به هر سو که برود (هر چند پشت به قبله باشد) میتواند نماز مستحبی بخواند.

بعضی دیگر از «جابر» نقل کرده‌اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گروهی از مسلمانان را به یکی از میدانهای جنگ فرستاد، شب هنگام که تاریکی همه جا را فرا گرفت نتوانستند قبله را بشناسند و هر گروهی به سوئی نماز خواندند، هنگام طلوع آفتاب دیدند همگی به غیر جانب قبله نماز گذارده‌اند، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال کردند، آیه فوق نازل شد و به آنها اعلام کرد که نمازهایشان در چنین حالتی صحیح بود (البته این حکم شرائطی دارد که در کتب فقهی آمده است). هیچ مانعی ندارد که همه شان نزولهای فوق برای آیه ثابت باشد، و آیه هم

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۱۳

ناظر به مساءله تغییر قبله باشد، هم خواندن نماز نافله بر مرکب، و هم نماز واجب به هنگام نشناختن قبله، از این گذشته اصولاً هیچ آیهای اختصاص به شان نزول خود ندارد و مفهوم آن باید به صورت یک حکم کلی در نظر گرفته شود وای بسا از آن احکام گوناگونی استفاده شود.

## تفسیر:

### به هر سو رو کنید خدا آنجا است

در آیه گذشته سخن از ستمگرانی بود که مانع از مساجد الهی می‌شدند، و در تخریب آن میکوشیدند آیه مورد بحث دنباله همین سخن است می‌گوید: «(مشرق و مغرب از آن خدا است، و به هر طرف رو کنید خدا آنجا است)» (و لله المشرق و المغرب فاینما تولوا فثم وجه الله).

چنین نیست که اگر شما را از رفتن به مساجد و پایگاههای توحید مانع شوند، راه بندگی خدا بسته شود، نه، شرق و غرب این جهان تعلق به ذات پاک او

دارد و به هر سو رو کنید او آنجا است، همچنین تغییر قبله که به خاطر مناسبت‌های خاصی صورت گرفته، کمترین اثری در این امر ندارد مگر جائی هست که از خدا خالی باشد، اصولاً خدا مکان ندارد. و لذا در پایان آیه می‌فرماید: «خداوند نامحدود و بی نیاز و دانا است» (ان الله واسع علیم).

توجه به این نکته لازم است که منظور از مشرق و مغرب در آیه فوق، اشاره به دو سمت خاص نیست بلکه این تعبیر کنایه از تمام جهات است، همانگونه که مثلاً می‌گوئیم: دشمنان علی به خاطر عداوت و دوستانش از ترس، فضائل او را پوشاندند، اما با این حال فضائلش شرق و غرب عالم را گرفت (یعنی همه دنیا) شاید تکیه بر خصوص شرق و غرب به خاطر این باشد که انسان، نخستین جهتی

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۱۵

را که می‌شناسد این دو جهت است و بقیه جهات به وسیله مشرق و مغرب شناخته می‌شود.

در قرآن مجید نیز می‌خوانیم: و اورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون مشارق الارض و مغاربها: «شرق و غرب زمین را در اختیار جمعیتی که مستضعف بودند قرار دادیم (اعراف ۱۳۷).

**نکته‌ها**

**نکته : ۱- فلسفه قبله**

نخستین سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که اگر به هر سو رو کنیم خدا آنجاست، پس توجه به قبله چه لزومی دارد؟

اما چنانکه بعداً نیز اشاره خواهیم کرد، توجه به قبله هرگز مفهومی محدود کردن ذات پاک خدا در سمت معینی نیست، بلکه از آنجا که انسان یک وجود مادی است و بالاخره باید به سوئی نماز بخواند، دستور داده شده است که همه به یکسو نماز بخوانند تا وحدت و هماهنگی در صفوف مسلمین پیدا شود، و از هرج و مرج و پراکندگی جلوگیری به عمل آید فکر کنید اگر هر کسی به سوئی نماز می‌خواند و صفوف متفرق تشکیل میدادند چقدر زنده و ناجور بود؟ ضمناً سمتی که به عنوان قبله تعیین شده (سمت کعبه) نقطه‌های است مقدس که از قدیمیترین پایگاه‌های توحید است و توجه به آن بیدار کننده خاطرات توحیدی می‌باشد.

## نکته : ۲

تعبیر به «وجه الله» به معنی صورت خدا نیست، بلکه وجه در اینجا به معنی ذات است.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۱۶

## نکته آخر : ۳

در روایات متعددی می‌خوانیم که به این آیه، برای صحت نماز کسانی که به غیر سمت کعبه از روی اشتباه و یا عدم توانائی بر تحقیق نماز خوانده‌اند استناد شده، و نیز به همین آیه برای صحت نماز خواندن بر مرکب، استدلال نموده‌اند (برای توضیح بیشتر به کتاب وسائل الشیعه کتاب الصلوة ابواب القبلة مراجعه نمائید).

بعدها

فترت

قبل